



ISSN: 2980-9614

Rational Explorations
Vol. 2, No.1, Spring 2023



The theory of unity in Imam Khomeini's intellectual system based on his guidelines and cultural opinions

farkhondeh kornasidezfuli

ID Orcid: 0000-0003-3987-9967

Assistant professor of the Department of Islamic education, Ahvaz Branch,
Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Received:

10/5/2023

Accepted:

21/6/2023

The issue of unity and unity among the Islamic world has been a very important and necessary issue. Because the colonialists sought to divide and weaken the Muslims and in various ways sought to eradicate Islam and rule over the Muslims and plunder their property and resources. Hazrat Imam Khomeini (RA) considered unity as a factor of strength and division as a cause of weakness in the foundation of religion, and the unity of the Islamic world was always considered a great ideal for him. But the realization of "unity" from his point of view requires conditions and the creation of necessary platforms, the most important and necessary of which is the design and creation of a single and common intellectual, cultural and ideological system, and the Imam was looking for that by proposing this intellectual system based on It is to strengthen the spiritual and cultural solidarity between Islamic societies. In this article, an attempt is made to firstly define unity and its underlying factors in the thought system of Imam Rahal, then while examining the concept of arrogance as the main factor in creating division between Islamic societies, by using a descriptive-citing method, the influence of the ideas of the culture of Imam Quds Sar, which is a reflection of his philosophical opinions; To explain the unity of the Muslims of the world.

Keywords: *The theory of unity intellectual system Imam Khomeini's guidelines and cultural opinions*

***Corresponding Author:** farkhondeh kornasidezfuli

Address: Assistant professor of the Department of Islamic education, Ahvaz Branch,
Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

E-mail: farkhodehkornasi@gmail.com



ISSN: 2980-9614

فصلنامه علمی

کاوش های عقلی



نظریه وحدت در منظومه فکری امام خمینی (ره) با تکیه بر رهنمونها و آراء

فرهنگی ایشان

فرخنده کرناسی دزفولی

استادیار گروه معارف اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

farkhodehkornasi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	موضوع اتحاد و وحدت در میان جهان اسلام موضوع بسیار مهم و ضروری بوده است. چرا که استعمارگران به دنبال اختلاف و تضعیف مسلمانان بوده و به شیوه های مختلف در پی محو اسلام و سلطه بر مسلمین و غارت اموال و منابع آنان بوده اند. حضرت امام خمینی (ره) وحدت را عامل قدرت و تفرقه را موجب سستی پایه دیانت تلقی می نمود و وحدت جهان اسلام برای ایشان همواره آرمانی بزرگ تلقی می شد؛ اما تحقق «وحدت» از دیدگاه ایشان نیازمند شرایط و ایجاد بسترهای لازم است که مهمترین و ضروری ترین آن، طراحی و ایجاد نظام فکری، فرهنگی و عقیدتی واحد و مشترک است و امام با مطرح نمودن این نظام فکری به دنبال آن بود که بر اساس آن، همبستگی معنوی و فرهنگی میان جوامع اسلامی تقویت گردد. در این مقاله سعی بر این است تا ابتدا تعریفی از وحدت و عوامل زمینه ساز آن در منظومه فکری امام راحل مطرح گردیده سپس ضمن بررسی مفهوم استکبار به عنوان عامل اصلی ایجاد تفرقه بین جوامع اسلامی، با بهره گیری از روشی توصیفی - استنادی تأثیر اندیشه های فرهنگی امام قدس سره که بازتابی از آراء فلسفی ایشان است؛ بر وحدت مسلمانان جهان تبیین گردد.
دریافت:	
۱۴۰۲/۰۲/۲۰	
پذیرش:	
۱۴۰۲/۰۳/۳۱	
کلمات کلیدی:	نظریه وحدت، منظومه فکری، امام خمینی (ره)، رهنمونها و آراء فرهنگی

۱- مقدمه

استکبار جهانی و نظام سرمایه داری همواره در صدد شکل دهی افکار عمومی مردم جهان بوده است و از این طریق، تلاش روزافزونی برای جهانی سازی ارزش های لیبرالیستی در عرصه ی فرهنگ، دموکراتیزه کردن نظام های سیاسی و ترسیم ساختار اقتصادی کشورها بر اساس کاپیتالیسم صورت می دهد تا تنها ارزش های جاری و معتبر در جهان، ارزش های غربی باشد (شوشتری و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۲-۱۱). بر این اساس رویارویی نظام سلطه و استکبار جهانی با ملت های آزاده، جنبش های آزادی بخش و انقلاب اسلامی از نوع تقابل و تضاد ایدئولوژیک است و پیامد این تقابل نیز، تضاد در اصول، اهداف و ارزش های بنیادین میان حوزه های تمدنی غرب و فرهنگ های غیر همسو، علی الخصوص فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی خواهد بود (احمدی، ۱۳۸۸: ۹۰-۸۹). امام خمینی(ره) به عنوان یکی از سرمداران مبارزه با جریان استکبار با بر ملا کردن ترفندها و نیرنگ های نظام سلطه در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی برای تفوق بر ملتهای دیگر بیش از هر چیز دیگر بر سلطه فرهنگی تاکید داشتند و ملتها را به وحدت، هوشیاری و تعمیق ارزشها در این عرصه رهنمون و دعوت نموده و غالباً در آراء فرهنگی خود به راه های مقابله با سلطه فرهنگی استکبار پرداخته اند. طرح مسأله وحدت، امروز و در فضای موجود جهان اسلام نیز اهمیت دوچندان دارد؛ چرا که جهان اسلام امروز همچنان پر التهاب و تنش زاست و مطمح نظر استکبار جهانی است. پس از انقلاب اسلامی، طرح ایده وحدت برای همدلی مسلمانان، وحدت و یکپارچگی آنان، از ضروریات جهان اسلام و مهمترین استراتژی برای مقابله با توطئه های استکبار جهانی است. بر این اساس مقاله حاضر مترصد این است تا ضمن مروری بر نظریه وحدت از دیدگاه امام خمینی(ره)، شرایط و بسترهایی که از دیدگاه ایشان در جهت رسیدن به وحدت بین مسلمانان امکانپذیر می باشد، بررسی گردد. به نظر می رسد از ضروری ترین آن شرایط از دیدگاه امام راحل طراحی و ایجاد نظام فکری، فرهنگی و عقیدتی واحد و مشترک است که بر اساس آن، همبستگی معنوی و فرهنگی میان مسلمانان و جوامع

اسلامی تقویت می گردد تا در مقابله با سلطه فرهنگی استکبار جهانی و تهدیدات فرهنگی آن ایمن بمانند.

۲- وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)

در دوران معاصر حضرت امام خمینی یکی از منادیان بزرگ وحدت اسلامی به شمار می آمدند. ایشان وحدت را در میان اقشار و فرق اسلامی مطرح می کردند و در عرصه های مختلف داخلی و خارجی نیز به وحدت نظری عمیق داشته و بارها با اشاره به آیه "واعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا" (آل عمران: ۱۰۳) بر آن تاکید می کردند: "باید تعلیمات اسلام را فراگرفت و همانطور که اسلام دستور داده است که مومنین در همه جا برادر هستند و امر کرده است به اینکه اعتصام به حبل الله بکنید و متفرق نشوید و دستور داده است به اینکه تنازع با هم نکنید و الا فشل می شوید مسلمین وقتی می توانند از گیر ابرقدرتها و از گیر حکومت‌های فاسد خودشان خلاص بشوند که این امر خدا را اجابت کنند. این دعوت الهی است. از صدر اسلام تا آخر" (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸، ۳۳۴).

حضرت امام در بحث از وحدت دو موضوع را از هم متمایز می سازند: یکی "وجود وحدت" و دیگری "ماهیت وحدت". به اعتقاد ایشان وحدت از اجتماع و با هم بودن سرچشمه می گیرد بدین معنا که عده ای با هدفی مشترک و در امری مشترک با هم اجتماع می کنند و جماعتی را به وجود می آورند. این امری عادی و طبیعی است و مورد تایید هر گروه و مکتبی حتی رژیم ها و مکاتب غیر الهی. اما آنچه ماهیت و حقیقت وحدت را در اندیشه امام روشن می سازد جهت انگیزه و قصدی است که محور و اساس وحدت قرار می گیرد و آن اعتصام به ریسمان الهی است. اعتصام به معنای چنگ زدن به هدف واحد و ایده آل هستی است. از این رو وحدت به لحاظ هستی شناسانه با توحید ارتباط تام و تمام دارد. زیرا فقط راه حق است که فطرتاً می تواند انسان ها را حول خدا متحد سازد و انسان ها واقعا تمایل فطری به حق و حقیقت دارند و این گرایش در همه آدمیان وجود دارد. پس وحدت حقیقی بدون اعتصام به خدا و حبل او معنا نخواهد داشت. بر این اساس جمع شدن حول یک محور مشترک به تنهایی وحدتی گذرا مقطعی و غیر حقیقی و

نامطلوب است. هر اجتماعی مطلوب نیست و اعتصموا بحبل الله مطلوب است... مردم را دعوت کنید به وحدت. دعوت کنید به اینکه گروه گروه نشوند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸، ۳۳۴). و ریسمان الهی ربوبیت است اسم "رب" همان ریسمان خدایی است. یعنی پذیرش تدبیر و اداره امور عالم و حاکمیت مطلق هستی برای او و لاغیر. در عبارت دوم امام حبل خدا و ریسمان او را "راه حق" می داند راه صدق و راستی راه خدا و پیامبران الهی که باز همان پذیرش ربوبیت و حاکمیت مطلقه خدا بر عالم وجود است. زیرا وحدت نیاز به محور یا منشأ و اساس واحدی دارد و هدف و مقصد واحدی را می طلبد و لذا توحید می تواند به عنوان محوری اساسی برای وحدت در نظر گرفته شود چون در جامعه توحیدی انسان ها در مسیر واحد "انا لله و انا الیه راجعون" قرار دارند برخلاف جامعه شرک و کفر که راه ها و مسیرها گوناگون است. بنابراین از نظر مفهومی وحدت اسلامی، از جهت روش و ابزارمندی آن شامل تمامی تصمیم سازی ها، سیاست گذاری ها، اتخاذ روش های واحد، بهره گیری از امکانات مشترک و تدابیری می شود که نتیجه و پیامد آن، تحقق وحدت امت اسلامی است.

۳- عوامل زمینه ساز وحدت و ابزارهای ایجاد آن در منظومه فکری امام خمینی (ره)

ایجاد وحدت و سوق دادن جامعه به سوی آن، نیازمند فراهم آمدن شرایط و مقدمات و همچنین ابزارهایی است که بدون آنها وحدت میسر نمی شود این عوامل عبارتند از:

۱-۳- تقوا: در بینش اسلامی یکی از عواملی که مایه اختلاف است؛ شیطان و هوای نفسانی است. حضرت امام خمینی نیز بر این عامل بسیار تاکید داشتند: «اگر همه انبیای الهی را در یک جا جمع کنیم، هیچ اختلافی بین آنها پدید نمی آید» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۰، ۷۰). از این بیان برمی آید که حد اعلایی از تقوا مد نظر ایشان بوده و تقوای شدید را زمینه اعتصام به ریسمان الهی دانسته اند.

۲-۳- حاکمیت اسلامی: تحقق ولایت الله در جامعه یکی دیگر از عوامل وحدت است. و از کاربردی ترین راهکارهای وحدت، اقدام عملی در جهت ایجاد وحدت و همبستگی است. برای آنکه توطئه های دشمنان در محیط اسلامی خنثی شده و شیطان های «انسی» از توطئه دست

بردارند، راهی جز مقابله با آنان و طرد آنها از جامعه اسلامی نیست. برای تحقق وحدت باید گام‌های عملی و کاربردی در این زمینه برداشته شود و تشکیل حاکمیت اسلامی یکی از این اقدامات عملی است. حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «ما برای این که وحدت امت اسلامی را تأمین کنیم، راهی جز تشکیل حکومت نداریم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان باید حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است ایجاد نماییم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمانان است» (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۲۷).

۳-۳- هدف مشترک: حضرت امام برای وحدت جامعه اسلامی بر وحدت هدف و لزوم خدایی بودن همه کارها تأکید داشتند و می‌فرمودند: «اگر همه برای خاطر خدا کار کنیم، اختلاف در کار نخواهد بود. وقتی بنا باشد همه خدمتگزار اسلام باشید، اختلاف دیگر پیش نمی‌آید» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۰، ۱۲).

۴-۳- اجرای قسط و عدالت اسلامی: یکی از زمینه‌های ایجاد وحدت برقراری عدالت اجتماعی است. هر چند امام خمینی در آثار و بیانات خود به ارائه مفهوم خاصی از عدالت اجتماعی یا بعد اجتماعی آن نپرداخته است (قاضی زاده، ۱۳۷۷: ۲۸۹) ولی نگرش و توجهی که به مسأله قسط و عدالت در جامعه و نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی آن داشته بیانگر این امر است که عدالت را نه صرفاً ملکه یا فضیلتی فردی بلکه خصلت و حالتی اجتماعی می‌داند. در این نگرش عدالت خصلت و ویژگی قوانین سیاسی و اجتماعی و نیز ویژگی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی و، مهم‌تر از آن، خصلت و ویژگی جامعه انسانی است. به عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین و شاید ویژگی اصلی حکومت جمهوری اسلامی را تحقق عدالت می‌داند: «در جمهوری اسلامی زور گویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست... در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند... عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می‌افکند» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۶، ۵۲۵). همچنین، از دید امام خمینی وضع احکام دین و کلیت دانش فقه و موضوع آن در جهت تحقق عدالت است، زیرا احکام همگی اموری ابزاری و وسیله تحقق عدالت در جامعه‌اند: «احکام شرعی قوانین اسلام هستند و این احکام شأنی از شئون حکومت

می‌باشند، بلکه احکام، مطلوب بالعرض و اموری ابزاری هستند برای اجرای حکومت و گسترش عدالت» (ر.ک: امام خمینی، ب ۱۳۷۹: ج ۲، ۶۳۳). از سوی دیگر، باید دانست که در نگاه او در جامعه مبتنی بر توحید، عدل الهی منشأ تمام امور خواهد بود. بنابراین عدالت در جامعه منتج از عدل الهی و توحید است. چه به زعم ایشان در جامعه توحیدی، همه امتیازات لغو می‌شود و تقوا ملاک امور خواهد بود. در چنین جامعه‌ای «زمامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است. ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۵، ۸۱).

یک جامعه اسلامی علاوه بر عواملی که در ایجاد وحدت ذکر شد؛ برای رسیدن به مطلوب خویش نیازمند ابزارهایی است؛ یکی از این ابزارها قانون است. قانون و آیین نامه برای حفظ همبستگی بسیار حائز اهمیت است. اگرچه قوانین اسلام حد و مرزهای کلی و حقوق مختلف اجتماعی را روشن کرده است، برای تبیین جزئیات، وجود مجالس قانونگذاری و مجالس بین‌المللی اسلامی در جهت حفظ وحدت ضروری است. ابزار دیگر آگاهی، آموزش و تذکر آحاد و افراد جامعه است. جامعه‌ای که آثار وحدت و اختلاف را مورد توجه قرار نداده باشد و رشد اجتماعی و آگاهی لازم را کسب نکرده باشد، نمی‌تواند راه وحدت را پیش روی خود قرار دهد. لذا با استفاده از ابزار آگاهی دادن، تذکر و نصیحت این مسیر را هموار می‌سازد. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۲۷۲). امام بارها در بیانات خود به آثار مطلوب وحدت و آثار اختلاف اشاره می‌کردند و هدف مشترک، دشمن مشترک و ... را تذکر می‌دادند. ایشان دولتهای اسلامی را به آثار مثبت وحدت و همبستگی تنبه داده و قدرت مجموع آنها را برای بازپس گرفتن فلسطین کافی دانسته و در صورت اتحاد، آنان را از قدرت‌های بزرگی چون آمریکا بی‌نیاز دانسته‌اند (همان). از دیگر ابزارها مذاکره و مصالحه است. حکومت می‌تواند با دعوت مخالفان و مذاکره با آنان زمینه‌های سوء تفاهم را برطرف کند. حضرت امام (ره) به شرایط مذاکرات نیز اشاره و از نمایندگان مردم درخواست می‌کنند که مسائل را با برادری و حسن نیت طرح کنند نه با تنازع و خصومت: «اگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف بینش داریم، باید بنشینیم و با هم در یک محیط آرام صحبت کنیم و مسائل خودمان

را به میان بگذاریم و حل کنیم، با تفاهم مسائل را حل کنیم، نه این که جبهه گیری کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ج ۱۴، ۳۸). در نهایت پس از مذاکره و مصالحه، اجبار متخلف برای حفظ وحدت عملی است. گرچه وحدت و همبستگی قلبی و درونی و عقیدتی با اجبار و زور محقق نمی شود اما تا حدودی می تواند آثار شوم اختلاف را از صحنه جامعه اسلامی بردارد.

بر این اساس از دیدگاه امام پایه وحدت، وحدت اعتقادی- دینی است و یک هدف و مقصود مستقل است که همه پیامبران الهی در پی تحقق آن بوده اند و اکنون نیز در راستای همان هدف مقدس انبیاء برای تحقق وحدت، جامعه و امت اسلامی می بایست کوشش کند؛ همچنین وحدت تمام فرقه های اسلامی بر پایه قرارداد و پذیرش متن کلی دین اسلام برای اعتقاد همه جوامع مسلمان است و معیار همه فرقه های اسلامی «حق» و پایداری در حق است چرا که ما به حکم آنکه مسلمان هستیم و اهل قرآن، اهل حق می باشیم.

۴- عوامل و زمینه های تفرقه

به طور کلی عواملی را که منجر به تفرقه می شود را می توان به دو دسته تقسیم نمود:

۴-۱- عوامل نفسانی و اخلاقی: انسان موجودی است که در کنار فطرت الهی، طبیعت خاکی و حیوانی نیز دارد، از این رو، گرچه رشد او در جنبه معنوی و روحی او را از ملاتک برتر می سازد و مسجود ملاتکه می شود، سقوط او در نفسانیات و شهوات نیز او را به حضيض ذلت می کشاند. طبیعت زیاده طلب انسان همه چیز را برای خود می طلبد و در نتیجه تفاهم، هماهنگی و عدالت را منافی اغراض و امیال خویش می داند. از این رو یکی از مهم ترین عوامل تفرقه، هوای نفس و شیطان است. قرآن کریم از این خصلت به عنوان خوشحالی های گروه های باطل یاد می کند و تسلط شیطان بر دل ها را سبب از یاد بردن محور وحدت و افتادن در مسیر باطل می داند. حضرت امام در اولین پیام مکتوب سیاسی خود می فرماید: «خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانیده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده است.... قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت

اسلامی خفه کرده، قیام برای منافع شخصی است که روح برابری را از بین برده است» (امام خمینی، الف ۱۳۷۹، ج ۱: ۳).

در جای دیگر نیز عامل ایجاد اختلاف را شیطان معرفی نموده و به صراحت می فرماید: «اختلاف از زبان هر کس باشد، از زبان هر موجودی باشد، این زبان زبان شیطان است، چه از زبان یک روحانی باشد، چه از زبان یک مقدس باشد، چه از زبان یک نمازگزار باشد، چه از سایر زبان ها؛ بدانید که این زبان، زبان شیطان است و گاهی هم خود آن آدم ملتفت نیست که تحت تأثیر شیطان است یا زبان شیطان در او دارد فعالیت می کند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۱۳-۱۲). بر این اساس امام عموم اختلافات را دارای منشأ نفسانی می دانست.

۲-۴- عوامل اجتماعی: عوامل اجتماعی نیز در مسیر افتراق جوامع مسلمان همواره تأثیر گذار بوده است. چنانچه یکی از این عوامل از دیدگاه قرآنی، ولایت و سرپرستی حاکمان بیدادگر در جامعه است. حضرت امام نیز بارها به وجود توطئه های شیطانی در ایجاد تفرقه در امت اسلامی اشاره کرده اند. ایشان چون تفرقه را به سود مستکبران می دیدند تلاش آنها را در راه تفرقه میان گروه های اسلامی مشاهده می کردند، همواره بر حرمان و ناکام گذاشتن ابرقدرت ها تاکید می ورزیدند. عامل دیگری که در ایجاد اختلاف از نظر امام مؤثر بوده است عدم رشد جامعه و اختلافات و تفرقه های داخلی بوده است (قاضی زاده، ۱۳۸۸: ۴۷۰). ایشان در همین راستا در مورد اختلافاتی که از سوی بعضی دوستان نادان دامن زده می شد چنین فرموده اند: «امروز که اصول احکام در دستبرد اجانب و نوکرهای آنها است، به جای وحدت کلمه این نحو تفرق و توهین بعضی از بعضی موجب کمال تأسف است و کاشف از عدم رشد جامعه است» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ج ۲۲، ۱۰۷). بر همین اساس ایشان ضمن تاکید بر وحدت میان مسلمانان شدیداً بر مقابله با استکبار تاکید داشتند. اما منظور از استکبار در منظومه فکری امام چیست؟ که در ادامه به این مسأله پرداخته و راهکارهای فرهنگی در مقابله با آن از منظر امام راحل تبیین می گردد.

۵- مفهوم استکبار در اندیشه امام

استکبار، شیوه تفکر و منش عملی قدرتمندان زر و زور و در اصطلاح قرآنی خصلتی از کفر است که با سلطه گری و خود بزرگ بینی، دیگران را ضعیف پنداشته و آنها را زیر سلطه خود درآورده اند. سابقه استکبار را بایستی در آغاز خلقت بشر جست و جو کرد که شیطان با استدلال خودپسندانه و تمرد خود، به آن دست یازیده و همواره این خصلت شیطانی و استکباری به عنوان مرتبه ای از کفر در طول تاریخ بشر وجود داشته است. روحیه استکباری و برتری جویی در ساخت سیاسی یک جامعه یا یک نظام حکومتی موجب می شود تا آن نظام سلطه گر خود را برتر و بالاتر از دیگران ببیند و مبنای فکری، اعتقادی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و سیاسی خود را بهتر از دیگران بداند و با آنها مبارزه نماید (حاجی زاده و دارینی، ۱۳۸۶: ۱). امام(ره) در خصوص سیطره و وسعت استکبار می فرماید: "مستکبرین منحصر نیستند به سلاطین، منحصر نیستند به روسای جمهور، منحصر نیستند به دولت های ستمگر. مستکبرین یک معنای اعمی دارد یک مصداقش اجانب هستند که تمام ملت ها را تضعیف می شمردند و مورد تجاوز و تعدی قرار می دهند یک مورد هم، همین دولت های جائر، سلاطین ستمگر که ملت های خودشان را ضعیف می شمردند و به آنها تعدی می کنند، دست تعدی به ملت ها دراز می کنند" (امام خمینی، الف ۱۳۷۹، ج ۷: ۴۸۸). استکبار در اندیشه امام خمینی(ره) برای رسیدن به اهدافش از راهبردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بهره می گیرد و یکی از راهبردهای استکبار جهانی برای سلطه یافتن بر دولت های مستضعف و غیر همسو، بهره گیری از صنایع، ابزارها و شگردهای فرهنگی است که امام راحل سلطه فرهنگی را از سلطه نظامی و اقتصادی خطرناک تر می داند و در این باره می فرماید: "فرهنگی که با نقشه دیگران درست می شود و اجانب برای ما نقشه کشی می کنند و با صورت فرهنگ می خواهند تحویل جامعه ما بدهند، این فرهنگ فرهنگ استعماری و فرهنگ انگلی است و این فرهنگ از همه چیزها، حتی از این اسلحه این قلدرها بدتر است. این قلدرها اسلحه شان بعد از چند وقت می شکند و حالا هم شکسته، اما وقتی فرهنگ فاسد شد، جوان های ما که زیر بنای تأسیس همه چیز هستند از دست ما می زند و انگل بار می آید، غرب زده بار می

آیند" (همان، ج ۳، ۳۰۶) " این غرب یا شرق که سلطه پیدا کرده است بر همه ممالک اسلامی، همش این سلطه فرهنگی بوده است... مصیبت بزرگ برای مسلمین همین فرهنگی است که در بین مسلمین رواج پیدا کرده و جوان های ما را می کشاند یا به آن طرف یا به این طرف» (همان، ج ۱۲، ۳۱۹۹).

۶- رهنمودهای فرهنگی امام(ره) در جهت وحدت مسلمانان و مقابله با استکبار و نظام سلطه جهانی

منظومه فکری امام خمینی(ره) مبتنی بر ابعاد نظری با خاستگاه آموزه های دینی است که دربردارنده عناصری متعدد است که آثار وضعی متعددی داشته و دارد، ایشان در شناخت راهبردهای متنوع و متحول استکبار جهانی برای انقیاد مستضعفین و ملت های عقب مانده بسیار هوشیار بوده اند و معتقد بودند که استکبار برای دست یابی به اهداف خود از راهبردهای نظامی و سخت افزار به سمت راهبردهای فرهنگی روی آورده است که تبعات آن بسیار خطرناک است. بر این اساس در اینجا به برخی از مهمترین رهنمودهای فرهنگی امام راحل در مقابله با استکبار جهانی می پردازیم:

- ۱- ایجاد آگاهی و شناخت کامل فرهنگ خودی برای آحاد ملت و امت اسلامی: اولین گام برای مقاومت فرهنگی و مقابله با تهدیدات فرهنگی، آشنایی و شناخت کامل فرهنگ خودی است. امام خمینی (ره) فرهنگ هر جامعه را هویت و موجودیت آن جامعه می داند. در واقع فرهنگ زیربنا و جزو اصلی تشکیل دهنده هر ملتی است و اقتصاد، سیاست و غیره روبنا و ظواهر جامعه را شکل می دهند که بدون تکیه بر فرهنگی اصیل و بومی، ارزش چندانی ندارد و پوچ و بی معنا خواهد بود. امام اهمیت فرهنگ را در زندگی سیاسی و اجتماعی جوامع به حدی می دانند که معتقدند فرهنگ می تواند ملتی را به تباهی یا اینکه به اوج عظمت و قدرت برساند. استقلال و حیات سیاسی جوامع، وابسته به فرهنگ بومی و مستقل است و بدون آن ممکن است ملت ها به راحتی توسط دیگران، تحت سلطه درآیند(طاهری بنچناری، ۱۳۸۸: ۱۰۷). به همین دلیل است که فرهنگ مبدا همه امور برای ملت ها است: "فرهنگ مبدأ همه خوشبختی ها و بدبختی ها است" (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۳، ۳۰۶). استکبار و نظام سلطه جهانی هم به این مهم دست یافته است و

سعی دارد فرهنگ ملت‌ها را عقب‌نگه دارند. امام (ره) نیز شناخت و احیای فرهنگ و هویت را رمز استقلال و قدرت کشور و مانعی در راه گسترش سلطه قدرت‌های جهانی می‌دانستند (فوزی، ۱۳۸۹: ۱۸۷) و همواره شناخت و آگاهی نسبت به فرهنگ خودی را به مثابه یک راهبرد مهم از ملت‌ها و دولت‌ها خواستار بودند: "ما باید فرهنگ خودمان را داشته باشیم" (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۳، ۵۰۶). "ما تا تمام حیثیت خودمان را نفهمیم، نفهمیم که چه بودیم، تاریخ ما چه بوده و چه هستیم، تا اینها را نفهمیم استقلال نمی‌توانیم پیدا کنیم" (همان، ج ۱۰: ۷۴). "هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا کند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که خودشان را گم کردند و دیگران را جای خودشان نشانند، استقلال نمی‌توانند پیدا کنند" (همان، ج ۱۱، ۱۸۳).

۲- زمینه‌سازی بیداری ملت‌ها و پرهیز از غفلت فرهنگی: بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، عامل دیگری را که زمینه را برای زیر سلطه گرفتن ملت‌ها و علی‌الخصوص مسلمین برمی‌شمارند، عدم آگاهی و غفلت آنان می‌باشد که معمولاً دشمنان مترصد هستند تا مردم را در بی‌خبری، غفلت و ناآگاهی نگاه دارند، از این رو امام (ره) همواره بر لزوم آگاهی و بیداری ملت‌ها تأکید داشتند (باباخانی، ۱۳۹۰: ۱۳۷). امام بارها به شیوه دشمنان برای عقب‌ماندگی فرهنگی ملت اشاره داشتند: "در تمام جوانب ترقی ملت ما کارهایی کرده است و نگذاشته که ملت ما رو به ترقی رود- نگذاشته فرهنگ ما فرهنگ مترقی باشد" (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۴، ۱۷۴). "فرهنگ ما را عقب‌نگه داشته‌اند، جوان‌های ما را نمی‌گذارند تحصیل بکنند. فرهنگ اسلامی ما را نمی‌گذارند که رشد خودش را بکند و با تبلیغات، مردم را می‌خواهند جدا کنند از اسلام". (همان، ۱۹۵). "از سال‌های طولانی با مطالعه‌هایی که کردند کارشناس‌ها- به اینجا رسیدند که این سدهایی که ممکن است جلو منافع آنها را بگیرد باید شکست و کیفیت شکستش چه جور باید باشد، بعد از مطالعات به اینجا رسیدند که خوب، این سدها یکی فرهنگ مملکت است... بس باید فرهنگ را عقب‌نگه داشت. فرهنگ را مأمورند که عقب‌نگه دارند، نگذارند انسان پیدا بشود، نگذارند یک آدم‌های تحصیلکرده صحیح مستقل ایجاد بشود که مستقل فکر کند" (همان، ۳۰۸).

امام راه حل این وابستگی فرهنگی و عقب ماندگی در عرصه فرهنگ را "بیداری ملت و پرهیز از غفلت و ناآگاهی" می‌دانند. ایشان معتقدند ملت‌ها باید برای رهایی از خواب مصنوعی و مقابله با تهدید فرهنگی دشمنان، بیدار شوند: "بزرگترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابر قدرت‌ها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد و برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی به غیر، باید از خواب مصنوعی که بر بعضی از قشرهای ملت و خصوصاً دانشمند و متفکر و روشنفکر تحمیل شده است - برخیزند و خود را و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابند." (همان، ج ۱۰: ۷۹).

۳- تعمیق و پاسداشت از باورها و ارزش‌های دینی: یکی از بنیادی‌ترین روش‌های مقاومت فرهنگی، گسترش شناخت معارف الهی و تعمیق باورهای اصیل مذهبی است. زیرا فرد ارزشی و خداپاور به خودآگاهی و خودباوری می‌رسد و چنین فردی مفتون - مرعوب و مقهور فرهنگ الحادی بیگانه نمی‌شود در نتیجه با استفاده از کلیه امکانات و روش‌های ممکن به صورت مستقیم و غیر مستقیم، باید زمینه تحقق چنین باورهایی را فراهم آورد. هر فرد مسلمان در زمینه امور مذهبی به سه مقوله دانش، بینش و گرایش نیاز دارد که ضعف و ناکارآمدی در هر بخش، مشکلاتی را برای افراد جامعه به همراه خواهد داشت (نوید، ۱۳۷۴: ۹۳).

امام (ره) پیش شرط آسیب‌ناپذیری و تهدیدزدایی ملت و نظام را التزام عملی به احکام نورانی اسلام اعلام کردند و راز پایداری ملی در برابر بیگانگان خصوصاً پیشه را اعتقاد مردم مسلمان به قدرت خداوند و معنویت‌گرایی گفتاری و رفتاری ایشان می‌دانستند. مطابق نظر امام (ره)، تحقق و تحکیم امنیت ملی مرهون دینداری و معنویت‌گرایی و حاکمیت فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در عرصه عمومی و در مقابل، تضعیف و تهدید امنیت ملی ناشی از دور افتادگی، فاصله‌گیری یا انحراف مردم و دولت مردان از هسته و اصالت آموزه‌های دینی است (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۱۶۳-۱۶۴). پس در قبال تهدیدهای فرهنگی باید از ارزش‌ها حمایت کرد و به ارزش‌ها در افراد جامعه تعمیق داد: "بر شما جوانان ارزنده اسلام که مایه امید مسلمین هستید لازم می‌باشد که

ملت‌ها را آگاه‌سازید و نقشه‌های شوم و خانمان‌سوز استعمارگران را برملا نمایید، در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید، تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار ببندید، با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمان‌های بزرگ اسلام بکوشید" (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۱، ۱۸۶). مهم‌ترین و خطرناکترین بعد تهدید فرهنگی، استحاله و تخریب ارزش‌ها و باورهای مذهبی است و به همین دلیل امام (ره) صیانت از این ارزش‌ها را مهم و عامل مقاومت فرهنگی و پیروزی علیه استکبار می‌دانند: "وقتی می‌توانیم با قدرت‌های بزرگ مقابله کنیم و آسیب‌پذیر نباشیم که متعهد به احکام اسلام باشیم" (همان، ج ۱۹: ۳۲۶).

۴- تلاش برای استقلال فرهنگی-فکری و مدیریت وابستگی‌های فرهنگی: امام(ره) به اهمیت فرهنگ در جامعه اشاره داشته و وابستگی فرهنگی را بسیار خطرناک و منشأ وابستگی‌های دیگر قلمداد می‌کنند. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته باشد-ناچار- دیگر ابعاد آن جامعه به اجانب مخالف‌گرایش پیدا می‌کنند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد(بهر روز لک، ۱۳۸۸: ۱۳۱). از این رو امام راحل وابستگی فرهنگی-فکری و روحی را برای جامعه امری خطرناک و یک تهدید فرهنگی برنامه‌ریزی شده می‌دانند: "استقلال فکری را از ما گرفتند- ما در فکر و اندیشه و روح وابسته شدیم... وابسته روحی و انسانی است که بسیار مشکل است" (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸، ۲۴). "فرهنگ ما را طوری کردند که ما همه چیزمان الان عوض شده، غربی شده، وقتی هم حرف می‌زنیم حرفمان غربی است" (همان، ص ۲۵). "اگر بخواهید ملت شما نجات پیدا کند، نجات ملت در فرهنگ و در دانشگاه‌ها باید طرح بشود. مادامی که ما پیوستگی مغزی داریم به خارج و اجانب، هیچ‌یک از این گرفتاری‌هایی که شمردید نمی‌توانیم از زیرش فرار کنیم. رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است و نجات جوان‌های ما از این وابستگی به غرب. اگر ما وابستگی فرهنگی را داشته باشیم دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست، وابسته اجتماعی هم هست، سیاسی هم هست، همه اینها است" (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۱۰، ۳۵۷). امام علاوه بر این معتقد بودند که باید وابستگی فرهنگی را مدیریت نمود و با کاهش وابستگی‌ها به استقلال فرهنگی رسید و این‌گونه با تهدیدات فرهنگی مقابله کرد: "

استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آن‌ها امکانپذیر است. بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است" (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۵، ۲۴۳). "ما اگر بخواهیم استقلال حقیقی به دست آوریم - باید سعی کنیم تمامی اشکال نفوذ چه سیاسی و چه فرهنگی را از بین ببریم (همان، ۱۳۸۵: ج ۶، ۲۶۲-۲۶۱). ۵- صیانت از هویت انسانی - اسلامی: یکی از شگردهای تهدیدهای نرم این است که هویت و فرهنگ اسلامی را به صورتی هنرمندانه و نامحسوس از بین ببرند و یا اینکه آن را ناچیز جلوه دهند و آن را عامل عقب ماندگی و ایزوله شدن معرفی کنند (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۴۵). به همین دلیل امام خمینی (ره) در بحث‌های خود، احیای هویت فرهنگی را که از آن تحت عنوان هویت اسلامی - انسانی یاد می‌کنند، مهمترین راهکار حفظ و تداوم آرمان‌های انقلاب می‌داند. تأکید ایشان بر دو صفت انسانی و اسلامی به عنوان مهمترین ویژگی‌های هویت فرهنگی کشور، در واقع تأکیدی بر بازگشت به هویت انسانی و عقلانی است. به نظر ایشان احیاء و صیانت این هویت انسانی، موجب ظهور انسانیت انسان می‌شود که تجلی آن را در حمایت چنین انسانی از اهدافی همچون استقلال، خودباوری، اتکای نفس، امید به آینده، عدم سلطه‌پذیری، حمایت از پیشرفت واقعی و غیره می‌توان دید که زمینه هرگونه حرکت مستقل و تکاملی جوامع می‌باشد (فوزی، ۱۳۸۵: ۲۱۹). بر این اساس، نظام سلطه برای اینکه جلوی استقلال و پیشرفت جوامع غیر همسو خویش را بگیرد به وسیله ابزارها و تبلیغات فرهنگی سعی در استحاله هویت و شخصیت جامعه آماج دارد: «کوشش کردند که شخصیت ما را از ما بگیرند و به جای شخصیت ایرانی - اسلامی، یک شخصیت وابسته اروپایی، شرقی، غربی به جایش بگذارند» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ج ۱۴، ۱۱۳). «به جای یک موجود شرقی - اسلامی، یک موجود غربی بر ما تحمیل شده که خودمان را گم کرده ایم، به جای مغز شرقی، مغز غربی نشسته است» (همان، ص ۲۵). از این رو ایشان تأکید دارند که باید به هویت اصیل انسانی و اسلامی بازگشت و از آنها صیانت به عمل آورد. زیرا بازگشت به هویت اصیل رمز پیروزی و ایستادگی در برابر

هجمه های نرم دشمنان است: «بر فرهنگ اسلام تکیه کنید، با غرب و غرب زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غرب زده و شرق زده بتازید و هویت خویش را دریابید» (همان، الف ۱۳۷۹: ج ۱۰، ۷۴). «ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم و ما خودمان را گم کرده بودیم، باید این خود گم کرده را پیدا کنیم» (همان، ج ۱۳، ۲۳۱).

۷-زمینه سازی وحدت و همبستگی

از آسیب های جدی تهدیدهای فرهنگی، ایجاد انشقاق و گسست میان افراد جامعه است و راهبردهای سلطه گران در سطوح مختلف این است که تشتت آراء را میان قومیت ها و اقلیت ها ایجاد نمایند و امام (ره) بارها در خصوص خطر تفرقه و پراکندگی ملت هشدار داده اند: «ما در بین مبارزه هستیم، باز باید همه اقشار با هم برادروار و در کنار هم آماده باشند برای مبارزه و جلوگیری از تشتتات و اختلافات. اگر خدای ناخواسته اختلافات پیدا شوند، معلوم نیست که ما به پیروزی نهایی برسیم» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۵، ۷). «فکر کردند اگر چنانچه اینها با هم باشند، اگر همه ممالک شرقی با هم باشند و اجتماع داشته باشند، امکان ندارد که به مخازن اینها دست بیابند. پس باید قشرها را از هم جدا کرد» (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۷، ۳۸۷-۳۸۸). «امروز وضع سیاسی دنیا طوری است که تمام کشورهای عالم در تحت نظر سیاسی ابرقدرت ها هستند و برای شکست همه طوایف و قشرهای دیگر طرح ها دارند و مهم طرح ها آن است که بین برادرها اختلاف کنند» (همان، ج ۱۳، ۱۳۰).
امام برای مقابله با انشقاق و تفرقه ملت ها، نسخه «وحدت استراتژیک» را تجویز می کند و آنها را به دوری از جدایی و اختلاف اصولی رهنمون می سازد: «برای همه مسلمین پیام من این است که با دارا بودن تمام امکانات و با جمعیت عظیمی که مسلمین دارند و با ممالک کثیری که تحت سلطه و قدرت آنهاست، آنها با هم اتحاد کنند. اگر متحد شوند هیچیک از ابرقدرتها، قدرت اینکه به آنها تجاوز کنند ندارند. تمام بدبختی های مسلمین برای این تفرقه ای است که بینشان است»

(همان، ج ۴، ۴۴۴-۴۴۵). «این وحدت کلمه را باید حفظ کنید و با حفظ وحدت کلمه تا آخر انشالله خواهیم رفت» (همان، ج ۶، ۸۲).

۸-بسترسازی برای همگرایی دینی

همگرایی در جامعه توحیدی پیش از آنکه دستوری و حیانی باشد، امری عقلانی است و بیش از آنکه مطلوبی دینی باشد ضرورتی عینی است چرا که همگرایی در نظام اجتماعی اسلام، تداوم حاکمیت وحدت در نظام تکوین و تشریح است (وطن دوست، ۱۳۸۹: ۱۱). یکی از ارکان استقامت جوامع ارزشی وجود همگرایی میان اقلیت‌ها و فرقه‌های دینی است و استکبار برای فروپاشی این وحدت ارزشی از انواع شگردهای فرهنگی برای تفرقه افکنی بهره می‌گیرد و مترصد است میان مسلمانان و علی‌الخصوص شیعه و سنی اختلاف به وجود آورند: «باز همین هم نقشه‌ای بود، این که بین مسلمین جدایی بیندازند، مسلمین را چند طایفه کنند خصوصاً بین شیعه و سنی، یک فاصله زیادی ایجاد کنند. آنها غرضشان این نبود که شیعه بزرگ بشود، یا سنی ضعیف بشود. غرضشان این بود که هر دو ضعیف بشوند... بنا شد بین اینها چنان جدایی بیندازند و فاصله ایجاد کنند که اذهانشان از مسائل دیگر به کلی منحرف بشود، همه اذهان باید سراغ اینکه خودشان با هم دعوا کنند. این هم یکی از نقشه‌هایی بوده است که از قدیم الایام اینها، شیاطین درست کرده‌اند و از احساسات مذهبی استفاده کردند» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ج ۱۴، ۵۰۷). امام خمینی یکی از آفت‌های اصلی جوامع را ملی‌گرایی و قوم‌پرستی می‌داند ولی خطر تفرقه مذهبی را بیشتر می‌داند: «از ملی‌گرایی خطرناکتر و غم‌انگیزتر، ایجاد اختلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است و القای تبلیغات فتنه‌انگیز و دشمنی‌ساز بین برادران اسلامی و ایمانی است» (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۱۳، ۲۰۹). امام خمینی از همگرایی میان مذاهب به عنوان «خشتی‌کننده نقشه شوم اجانب» یاد می‌کند: «برادران اهل سنت در کشورهای اسلامی بدانند که این اعمال وابسته به قدرتهای شیطانی بزرگ، خیرخواه مسلمین و اسلام نیستند و لازم است مسلمانان از آنها تبری کنند و به تبلیغات نفاق افکنانه آنها گوش فرا ندهند. من دست برادری به تمام مسلمانان متعهد

جهان می‌دهم و از آنان می‌خواهم که به شیعیان به چشم برادری عزیز نگاه کنند و با این عملشان همانند همیشه نقشه‌های شوم اجانب را خنثی کنند» (همان، ص ۲۱۰).

۹- گسترش فرهنگ مقاومت و استقامت

روحیه استقامت، ایستادگی و تسلیم ناپذیری ملی در مواقع سختی‌ها، بحران‌ها و نیز اصرار و مداومت بر سر آرمانها و منافع جامعه را می‌توان از جمله عوامل مهم و ارزشمند قدرت و پشتوانه مستحکم امنیت ملی هر کشوری دانست. این روحیه پایداری و فرهنگ مقاومت، به ویژه اگر برخاسته از آموزه‌های دینی و متکی به قدرت زوال ناپذیر الهی باشد و وعده بهره‌مندی از پاداش اخروی را در قبال تحمل شدايد دنیوی به معتقدانش بدهد، انگیزه و توان مضاعفی را در اختیار دولتمردان قرار می‌دهد تا بدون عقب‌نشینی، سازش و تسلیم در برابر فشارها و تهدیدها، با سرافرازی و عزتمندی در راه رسیدن به اهداف و منافعشان ایستادگی کنند. به همین دلیل، امام خمینی (ره) همواره اذهان مردم را به این نکته معطوف می‌کردند که حضور و مقاومت تا کسب پیروزی گامی مهم و ارزنده است (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۱۷۷-۱۷۶). امام خمینی (ره) معتقد بودند که استکبار برای پیشبرد اهدافشان مترصد کاهش سطح مقاومت و روحیه پایداری و ایستادگی ملت‌ها هستند و از این رو ایشان ملت را به استقامت تشویق می‌کردند و سایر ملت‌های جهان را به الگوپذیری از استقامت و پایداری ملت ایران تشویق می‌کردند زیرا معتقد بودند که ثمره مقاومت و پایداری پیروزی است: «شما ملت شجاع و ثابت قدم به ملت‌های مظلوم ثابت کردید که با فداکاری و استقامت می‌توان بر مشکلات هر چه باشد غلبه کرد و به مقصد هر چه دشوار باشد رسید» (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۴، ۲۳۷). «این ملتی که ایستاده‌الان در مقابل ظلم و در مقابل قلدری‌ها و آنها با توپ و تانک و او با مشت دارد مقاومت می‌کند و نمی‌رود کنار، این ملت شکست نمی‌خورد» (همان، ج ۲، ۱۲۶). ایشان عنصر پایداری و مقاومت را یک وظیفه و تکلیف شرعی نیز می‌دانستند: «در وصیت خدا به وسیله پیغمبر برای امت این است که قیام کنید برای خدا، یکی یکی قیام کنید، جمع جمع قیام کنید. لیکن قیام برای خدا در این آیه است

که استقامت کنید... اگر استقامت کنید پیروز خواهید شد. اگر استقامت کنید این عده ای که در صدد توطئه هستند ریشه کن خواهند شد» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۶، ۲۷۶).

۱۰-مقابله با رواج فحشاء و اخلاق فاسده غربی

امام خمینی (ره) فساد موجود در تمدن غرب را به حدی می دانند که خود غربی ها نیز از آن ناراضی هستند. از نظر ایشان جوامع غربی نه تنها خود دچار فساد شده اند بلکه سعی می کنند فساد و اخلاق فاسده غربی را در جوامع شرقی و اسلامی نیز ترویج کنند. امام رابطه مستقیمی بین استعمار و فساد برقرار می کند و معتقد است که ترویج فساد یکی از راه های به استثمار کشیدن ملت های دیگر توسط غرب می باشد (طاهری بنچناری، ۱۳۸۸: ۱۸۴). یکی از مظاهر شکست فرهنگی در جوامع ارزشی، چیره شدن اخلاق منحط غربی و فساد در بین مردم جامعه است که امام معتقدند برای رسیدن به این هدف، دشمنان از همه ابزارهای فرهنگی همچون تبلیغات، مجلات، رادیو و تلویزیون استفاده می کنند: «آن مجلات با آن عکس ها و آن تبلیغات... آن بساطی که در رادیو و تلویزیون بود و شماها از طرف غرب و عمال بی وطن به شما عرضه می شود» (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۲۱، ۴۱۷). امام رواج خلیقات منفی غرب و ترویج اخلاق فاسده میان جوانان را یک برنامه حساب شده و طرح ریزی شده می دانند که برای تخریب فرهنگ های مقاوم غیر همسو بکار می روند و ایشان راه چاره را در مبارزه با فحشاء و برچیدن اخلاق فاسد غربی از سطح جوامع ارزشی و دارای فرهنگ غنی می دانند: «اولین اقدام این است که همه عوامل فساد و مهمتر اینکه همه انگیزه های فساد در زمینه های اجتماعی و اقتصادی و سایر زمینه ها با کمال جدیت باید ریشه کن شود» (همان، ج ۱۲، ۲۷۸). «مبارزه با فساد می کنیم، فحشاء را قطع می کنیم... تمام آثار غرب را، تمام آثار فاسده را، نه آثاری که تمدن است، تمام اخلاق فاسده غربی را، تمام نعمات باطله را خواهیم زدایید» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۵، ۱۲۸). ایشان برای مقابله با سیطره فرهنگ منحط غرب بر تحول کارکردی رسانه تاکید داشتند و معتقد بودند رسانه ها باید مظاهر مفسده آمیز را از برنامه های خویش حذف کنند و با تولید برنامه های فرهنگی مناسب و آموزشی به مقابله با جریان خزنده تبلیغی برونند: «باید رادیو و تلویزیون مربی جوان های ما، مربی

مردم کشور باشد... این رادیو تلویزیون باید متحول و همچو باشد که جوان‌ها را طوری بار بیاورد که مستقل و دارای اراده و تصمیم باشد، نه پایبند آن مسائل شهوانی و یا این مسائل دیگری مثل هروئین و امثال ذلک. اینها باید در رادیو و تلویزیون جوری عمل بشود که اینها را محترز کنند از آنها، بترسانند آنها را از آن‌طور مسائل و همین‌طور باید فیلم‌هایی که در رادیو و تلویزیون نمایش داده می‌شود آموزنده باشد» (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۱۲، ۱۰۴).

۱۱-مقابله با روشنفکران غرب زده

امام خمینی(ره) غرب زدگان را مانعی جدی در راه رسیدن جامعه به خودباوری و قطع وابستگی فکری دانسته‌اند. ایشان به غرب زدگان به عنوان نفوذی‌های غرب می‌نگرند که تحت تأثیر پیشرفت غرب قرار گرفته و هویت ملی و دینی خود را فراموش کرده‌اند. غرب زدگان از لحاظ فرهنگی و فکری دچار خودباختگی و زبونی هستند و ارزش‌ها و مبانی فکری و هنجارهای غرب را در جوامع شرقی و اسلامی ترویج و زمینه سلطه فرهنگی و سیاسی را فراهم می‌کنند و به همین دلیل امام خواهان مبارزه با غرب زدگان می‌شوند (طاهری بنچناری، ۱۳۸۸: ۲۰۶-۲۰۷). امام راحل معتقد بودند که استعمار مترصد است تا با تربیت روشنفکرهای غربزده و افراد وابسته، از استقلال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ملت آماج جلوگیری کند و بر این هستند که شخصیت‌های ملی و ارزشی نتوانند مستقل از دیگران و علی‌الخصوص ایادی استکبار، حرکتی داشته باشند: «از جمله مسائلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچگونه فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی‌دهد و آنان را به حال رکود و عقب ماندگی نگاه می‌دارد، تبلیغات همه جانبه‌ای است که غرب زدگان و شرق زدگان، یا به امر ابر قدرت‌ها، یا با کوتاه نظری خود، در سراسر کشورهای اسلامی و استضعافی به راه انداخته‌اند و می‌اندازند» (امام خمینی، ج ۱۸: ۸۹). امام (ره) خطر غرب زدگی روشنفکران را بسیار می‌دانستند و برای مقابله این گروه وابسته، علاوه بر «پاکسازی افکار» (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۹، ۴۲۷). و «جایگزینی فکر ایرانی-اسلامی به جای غرب زدگی» (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۱۰، ۵۳)، به تحول انسانی و مثبت شدن به اسلام و فرهنگ خودی تأکید داشتند و به مردم توصیه می‌کردند که باید افراد غرب زده و روشنفکران

وابسته را طرد کنند: «مشتبث بشوید به اسلام، متحول کنید خودتان را. نقطه اول این است که خود انسان متحول بشود. خود انسان از غربزدگی دریاید». (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ۳۳۱). در عین حال که امام به نوعی «شست و شوی مغزی و قلبی از غربزدگی» اعتقاد دارند، معتقد بودند که باید از ظرفیت‌های دانشگاه به درستی استفاده کرد و این نهاد با پرورش افراد متفکر و استقلال بخشی به آنها، غربزدگی را از مردم بیرون کند: «تبلیغات دامنه داری که غربی‌ها و غرب زدگان شروع کردند و شاید حالا هم باز باشد، اسباب این شد که مغزهای ما غربی شد، قبله ما غرب شد و تا بیاید این غرب زدگی از این قلب‌ها و از این مغزها زدوده بشود وقت طولانی لازم است» (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۱۲، ۴-۵).

۱۲- ارتقاء مقبولیت الگوهای رفتاری و اسوه‌های ملی

در تهدید فرهنگی عامل تهدید به دنبال فراهم کردن الگوهای اقناعی است و تلاش می‌کند که مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید، فهم و درک نماید. یک بخش تأثیرگذاری بر افکار از طریق «باورسازی و الگوپردازی» است و بخش دیگر آن را «مسخ الگوهای رایج» تشکیل می‌دهد (عصاریان نژاد، ۱۳۸۸). بنابراین غرب و استکبار با استحاله و دگردیسی میان مفاخر و اسوه‌های ملت سعی دارد الگوهای مطلوب خویش را که منافی با ارزش‌های کشور میزبان است، جایگزین نماید. از این رو باید از الگوها و مفاخر بومی و ارزشی خویش صیانت کنیم: «شما بنابراین بگذارید که این چیزهایی که دارد شما را می‌کشد به طرف غرب و مفاخر شما را زیر پا می‌گذارد و به جای او مطالب غربی را می‌نشانند، شما هم اعتراض کنید از او پشت کنید» (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۹، ۴۷۰). «باید در فرهنگ توجه به آن داشته باشید و کوشش بشود که خودتان را پیدا کنید. ما گم کردیم خودمان را، ما تمام مفاخر شرقی را کنار گذاشتیم و همی رفتیم سراغ مفاخر غرب. آن هم نه آنی که آنها دارد آنی که به ما می‌دهند» (همان، ج ۱۰، ۴۲). امام راه اساسی برای مدیریت مفاخر ملی و اسوه‌های ارزشی را پناه بردن به ارزش‌های اسلامی و کتاب مقدس مسلمانان می‌داند و

حتی این رجعت به ارزش‌ها را عاملی برای بازگشت اهمیت و جایگاه مفاخر بومی می‌دانند: «در سایه اسلام می‌توانید مفاخر خودتان را برگردانید» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۶، ۵۲۳).

۱۳- مدیریت اذهان و قلوب ملت‌ها

مسیر اصلی تهدید فرهنگی برای سلطه یافتن بر ملت‌های سایر کشورها، تسخیر ذهن و قلب آنهاست زیرا با در دست داشتن افکار آنها می‌توان آنها را به کارهای موردنظر خودشان سوق دهند و با شست و شوی مغزی از میزان مقاومت آنها بکاهند و ارزش‌های جدید جایگزین باورهای سابق آنها سازند و در این راه از مطبوعات و رسانه‌های گروهی بهره می‌گیرند: مغز شویی شده آنها را شست و شوی مغزی دادند و آن ملیت خودشان را اسلامیت خودشان را شسته‌اند و به جای آن غرب را نشانندند" (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸، ۹۹). "مغزهای ما را شست و شو کردند اعتماد به نفس را از بین بردند" (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۷، ۵۷). از این رو ایشان بر این هستند که کشورهای میزبان باید نوعی پاک‌سازی افکار و شست و شوی مغزی متقابل انجام دهند و افکار ملت را به دست آورند و در این مسیر بر ظرفیت‌های دانشگاهی و روشنفکران تأکید می‌کنند: "شما هم اعتقاد پیدا کنید که می‌توانید مغزها باید شستشو شود و مغزهایی که به خود متکی است جای آن را بگیرد" (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۵، ۳۱۰). "شما استادان و فرهنگیان و دانشجویان و دانشگاه‌ها و دانشسراها و نویسندگان و روشنفکران و دانشمندان معظم باید کوشش کنید و مغزها را از این وابستگی فکری شست و شو دهید" (امام خمینی، الف ۱۳۷۹: ج ۱۰، ۷۹).

۱۴- بهره‌گیری از تبلیغات متقابل و روشنگری نسبت به شبهات

رسانه‌ها و مطبوعات از ابزار فرهنگی موثر هستند که از قدرت‌های جهانی در راستای تهدید فرهنگی سایر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرند. از منظر امام یکی از بهترین راهبردهای مقابله با تبلیغات مسموم دشمنان عنصر مقابله و روشنگری نسبت به آنهاست: "مکلفیم به اینکه این تبلیغاتی که در خارج شده و دارد می‌شود و بعضی از این روزنامه‌های خارجی از آنها ارتزاق می‌کنند و بر ضد ملت می‌نویسند روشنگری کنید شماها در مقابل آنها شما هم روشنگری کنید"

(همان، ج ۳، ۲۵۵). البته امام راحل روشننگری نسبت به تبلیغات یک جانبه نسبت به ملت را در بعد داخلی محدود نمی کردند و نوعی نقش برون مرزی برای تبلیغات قائل بودند: "شماها آقایان با هر یک از این اقشاری که در اینجا هستید اگر در اروپا هستید با اروپایی ها در آمریکا هستید با آمریکایی ها هر جا هستید با اهالی آنجا که رفقا دارید آشنا دارید هر وقت می نشینید طرح کنید مسائل ایران را و تبلیغات کنید هر یک از شما تبلیغ بکند این مسائل را" (همان، ج ۲، ۲۳۰).

۱۵- نتیجه

بنابر آنچه گذشت نکاتی چند قابل ذکر است:

- ۱- پایه وحدت در نظریه وحدت امام خمینی (ره) مبتنی بر آموزه های دینی؛ وحدت اعتقادی-دینی است. نه رنگ پوست، نژاد، زبان، مرز جغرافیایی، منافع اقتصادی و یا هر چیز دیگری. و این همان هدفی است که همه پیامبران الهی در پی تحقق آن بوده اند و عقد اخوت و برادری که خداوند بین مسلمین وضع نموده، در حقیقت جوهره و جلوه این وحدت اعتقادی دینی است که تقویت کننده اتحاد مسلمین می باشد.
- ۲- از منظر امام خمینی (ره) وحدت تمام فرقه های اسلامی بر پایه قرارداد و پذیرش متن کلی دین اسلام برای اعتقاد همه جوامع مسلمان است و معیار همه فرقه های اسلامی «حق» و پایداری در حق است چرا که ما به حکم آنکه مسلمان هستیم و اهل قرآن، اهل حق می باشیم.
- ۳- امام خمینی (ره) ضعف ملت اسلامی را در تفرقه دانسته و عواملی که مایه این تفرقه می باشد را نفسانی، اخلاقی و اجتماعی از جمله استکبار و نظام سلطه می داند و معتقد است یکی از راهبردهای استکبار جهانی برای سلطه یافتن بر ملت های مسلمان راهبرد فرهنگی و سلطه فرهنگی بر آنان است که در منظومه فکری ایشان به مراتب از سلطه نظامی و اقتصادی خطرناکتر است.
- ۴- مهمترین رهنمودهای ایشان در مقابله با استکبار و نظام سلطه جهانی ایجاد آگاهی و شناخت کامل به فرهنگ خودی، پرهیز از غفلت، تعمیق و پاسداشت از باورها و ارزش های دینی، استقلال فرهنگی- فکری، صیانت از هویت انسانی- اسلامی، وحدت و همبستگی، همگرایی دینی،

گسترش فرهنگ مقاومت و استقامت، مقابله با رواج فحشا و اخلاق فاسده غربی، مقابله با روشنفکران غرب زده و موارد دیگر که در متن مقاله به آن اشاره شده است.

۱۶- پیشنهادات

۱- در امر برنامه ریزی و سازماندهی یک برنامه و حرکت جامع، عام و فراگیر؛ داشتن آرمان مشترک، اهداف مشترک و استراتژی و نیز درد مشترک و ارتباط صمیمی و مستحکم ذهنی و معنوی، در میان جریان و نیروهای همسو برای حرکت به سمت و سوی اهداف مشترک بسیار ضروری است.

۲- فعال شدن نخبگان دینی و ملی در عرصه عمل؛ نخبگان دینی در عرصه تعمیق اندیشه های دینی و نخبگان ملی (روشنفکران متعهد) در عرصه تعمیق فرهنگ ملی نقش بسزایی دارند.

۳- گسترش و تحکیم پایگاه های تبلیغی؛ از میان امکانات و ظرفیت های موجود در امر باورسازی و تعمیق اندیشه، مراسم «جمعه» و «جماعات» در سطح مل و «حج» در سطح بین المللی بیش از همه مورد تاکید امام قدس سره بود.

۴- باورمندی به اصل «وحدت» به عنوان یک اصل مسلم توسط دولت های اسلامی چنان که آن را مبنای عمل و سیاست های عمومی خویش قرار دهند. که از جمله مهمترین این سیاست ها حرکت برای از بین بردن تعصب و طائفه گری است که هم برای وحدت سیاسی در کشور اهمیت دارد و هم برای ایجاد همگرایی در جهان اسلام.

۵- تصویب قوانینی در سازمان های اسلامی، برای جلوگیری عملی از اختلاف و امکان بازخواست از دولت های حمایت گر از آنان.

۶- حفظ حرمت در افتراقات مذهبی و تکیه بر اشتراکات مذهبی.

۷- افزایش آگاهی های عمومی و بصیرت افزایی و توجه دادن به شرایط جهانی.

۸- برگزاری نشست ها و همایش های مشترک علمی و گفت و گوی نزدیک، برای از بین بردن اختلافات و نزدیک کردن دیدگاه ها و نیز ارائه پژوهش ها و گفتگو های علمی و به دور از تعصب

بین عالمان متعهد و مستقل شیعه و سنی در مورد مسائل اعتقادی و اختلاف نظرهای فقهی و سیاسی.

۱۷- منابع

- ۱- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۸)، "نظام سلطه جهانی و جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی"، فصلنامه میثاق، سال دوم پاییز شماره ۷.
- ۲- باباخانی، مجتبی (۱۳۹۰)، "استکبارستیزی و حمایت از مستضعفین در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و شهدای دانشجو"، فصلنامه ره آورد سیاسی، سال هشتم، زمستان، شماره ۳۴.
- ۳- بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۸)، «نقش دین در همبستگی اجتماعی با تاکید بر اندیشه و آرای امام خمینی (ره)، در همبستگی و مشارکت ملی و مشارکت عمومی از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: انتشارات چاپ و نشر.
- ۴- بنچناری، میثم طاهری (۱۳۸۸)، فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۵- حاجی زاده، علیرضا و محمود دارین (۱۳۸۶)، استکبار جهانی و شیطان بزرگ از دیدگاه امام خمینی (ره)، دفتر سی و یکم (تبیان)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۶- خمینی، روح الله (۱۳۷۶)، صحیفه امام (ج ۱۴، ج ۲۲)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۷- خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام (ج ۸، ج ۲۰، ج ۱۵، ج ۲۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۸- خمینی، روح الله (۱۳۷۹ الف)، صحیفه امام (ج ۷، ج ۳، ج ۴، ج ۱۱، ج ۱۰، ج ۱۲)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۹- خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام (ج ۵، ج ۶)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- ۱۰- خمینی، روح الله (۱۳۷۹ب)، کتاب البیع، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی(ره).
- ۱۱- خمینی، روح الله (۱۳۷۵)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی(ره).
- ۱۲- شریفی، احمد حسین (۱۳۸۹)، جنگ نرم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۱۳- شوشتری، عباسعلی عظیمی و دیگران (۱۳۸۵)، آمریکا و گفتمان استکباری، تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی زمزم هدایت.
- ۱۴- عصاریان نژاد، حسین (۱۳۸۸)، تهدید نرم و ورابردهای مقابله، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۱۵- فوزی: یحیی (۱۳۸۵)، امام خمینی(ره) و هویت ملی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۶- فوزی، یحیی (۱۳۸۹)، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، قم: دفتر نشر معارف.
- ۱۷- قاضی زاده، کاظم (۱۳۸۸)، "وحدت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره) در همبستگی ملی و مشارکت عمومی از دیدگاه امام خمینی، تهران: انتشارات چاپ و نشر عروج.
- ۱۸- قاضی زاده، کاظم و سعید ضیائی فر (۱۳۷۷)، اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- ۱۹- کریمی مله، علی و اکبر بابایی (۱۳۹۰)، امنیت ملی از منظر امام خمینی(ره)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۰- نوید، مهدی (۱۳۷۴)، فرهنگ و مقاومت فرهنگی، تهران: انتشارات فلق.
- ۲۱- وطن دوست، رضا (۱۳۸۹)، وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.